

## هو العزيز العليم

# (توحید)

علة سوم اینست که با ایجاد توحید در قلوب و از راه نشر خداپرستی و متوجه ساختن توده بخدای شنوا و بینواتوان همه گونه پلیدیهای معنوی و گناهان باطنی را از قبیل افترا و تهمت و حسد و تزویر از بین برد و هیچ قانون و مجری قانونی نمیتواند بقدر قدرت ایمان بخدا و تقوی کار کند و جلو شهوات بشر را بگیرد همانطور که شب و روز در اجتماعات مادی می بینید که روز بروز بلکه انافانا خدعه و تزویر بیشتر میشود.

علة چهارم اینست که صلح و صفا، وحدت و اخوت و برادری فقط در زیر سایه توحید است زیرا موحد همیشه خود را با قدرت مطاقه حق قرین می بیند نوعا نفاق و مبیانت از ضعف و فقدان قدرت پیش می آید خداناشناس از طرد و فناء مردم میخواهد خود را بقدرت برساند همین خود باعث عداوت و دشمنی است البته وحدت و اتحادی که از توحید و خدانشناسی حاصل شود وحدت و اتحاد مرامی و مسلکی است و این وحدت محکمترین وحدتهاست که از وحدت سیاسی و نژادی بالاتر است يك مسلمان واقعی را نمیتوان از مسلمان واقعی دیگر بوسیله هیچ قدرت و عامل مهمی جدا کرد اگرچه این نزد مسلمانان از نظر نژاد و سیاست حکومت متفاوت و در دو طریق باشند زیرا رشته مستحکم وحدت دینی محکمترین رشته های پیوند بشری است نه سیاست و نه نژاد مداخلیتی در افکار مسلمین نداشته بلکه یگانه حاکم عالم اسلام دین و خدا است که حکمران حقیقی افراد اسلام نیز میباشد مثلا مسلمانی که در خاک قفقاز!! زندگی میکنند نمیتوانند از یک نفر عرب مسلمان جدا باشد زیرا اختلاف مذهب با هم ندارند اگر چه توافق نژادی و سیاسی نداشته باشند همچنین یک نفر اصفهانی را دوست دارند چه که دارای اتحاد مذهب میباشد این قضا یا کاملا ثابت می کند که تنها خدا و دین و مذهب حکمران مطلق عالم بشریت بوده و مسئله نژاد و سیاست در مقابل آن بمنزله صفر است علة پنجم اینست که با فهم توحید و رابطه بامبدء عالم قدیر مشکلات جهان بر موحد آسان شود و بادهای خشم سخطگان و جسارت ابلهان پست، مردان حق را نلرزاند و مردان خدا مرعوب آنان نشوند و تسلیم دست آنها نکردهند تو کوئی

## ( شرح حال ابن مقفع )

علت قتل ابن مقفع : در سنه ۱۳۷ عبدالله برادر زاده منصور که حاکم شام بود بمنصور خروج نمود و منصور او را شکست داد عبدالله حاکم شام بیصره فرار و به برادران خود پناهنده شد - منصور عهد الله را از برادران او درخواست کرد که باو تسلیم نمایند برادران وی امتناع ورزیدند و حاضر بقسامت مگر باقید امان دادن - منصور قبول نمود و شرط کردند که امان نامه را خود تنظیم نمایند - تنظیم امان نامه را بعهدہ ابن مقفع برگزار کردند ابن مقفع در تنظیم امان نامه شرایط سخت و مواد سنگینی تنظیم نمود که گماشتگان منصور نتوانستند تحمل آن

گوهی هستند در مقابل بادهای تند و این استقامت جز با نیروی توحید حاصل نمود نمود خود خواه و جاه طلب خیال کرد که میتواند با ابراهیم خلیل الله نبرد کند و با آتشیهای سوزان و افروخته خود او را بسوزاند و از صحنه اجتماع خارج کند چون در برده خود خواهی و جاه پرستی بود نقشه هایش همه نقش بآب شدو آن وادی وحشتنا و آن آتشیهای فراوان بقدره کامله حق برای ابراهیم گلستان با صفا گشت آن دشمن خدا نمری جز رنگ زردی از آن آتشیها نبرد تاریخ را بردارید نگاه کنید که همیشه حق غالب بوده است و مردان خدا بودند که مشکلات جهان را حل و بر گردنشان فائق آمدند زیرا نیروی ایمان دشمن را در نظر آنان کوچک و ذبون جلوه میدهد در پایان ذکر علل از خوانندگان گرامی استفهام چندی نموده و پس از آن از بیان سایر علل طرح بحث توحید نموداری کرده و وارد اصل مبحث توحید میشویم آیا بغیر از راه توحید توان راهی برای جمع متفرقات و اختلافات پیدا کرد ؟ و نفاقها را بوفاق و دشمنیها را بدوستی تبدیل نمود ؟ آیا جز راه توحید راهی است که مرتکبین جنایات و خیانتها را متنبه نموده و بوعید عذاب الیم و انتقام شدید در خوف و بیم اندازد ؟ یقینا جواب منفی است ما نیز بهمین علت در اولین شماره این مجله توحید را انتخاب کرده ایم چون معرفت بخدای لایزال سرچشمه همه فضائل و دافع و رافع همه رذائل است

با کلمه مثبت و منفی لا اله الا الله بشر با حرف لا که حرف نفی است همه مملکات را ( کفر و ظلم و کبر و حرص و طمع و غیر ذلك ) از خود دفع و دور و با کلمه مثبت الا الله همه منجیات را ( علم و قدرت و شجاعت و عفت و حکمت ) جذب خواهد نمود و همیشه لامپ وجودش با این دو سیم مثبت و منفی روشن و روغنای دهنده دیگران است ( بقیه در شماره آینده )